



Examining the concept of development in the thoughts of Ali Shariati

Gholamreza Jamshidiha¹, Mohammad Reza Hosseini², Hadi Zamani³

1. Professor of Sociology, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: gjamshidi@ut.ac.ir
2. Associate Professor, Department of Sociology, Ayatollah Borujerdi University, Borujerd, Iran. Email: m.hosseini@abru.ac.ir
3. PHD student at University of Tehran – Kish International Campus, Kish, Iran. Email: hadizamani1404@yahoo.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article in Press

Keywords:

Endogenous development, critical awareness, critical pedagogy, committed government, responsible intellectual, political organization

ABSTRACT

This research aims to analyze the concept of development in the thoughts of Dr. Ali Shariati, and examines the fundamental elements of his development model and attempts to answer two main questions: First, was Shariati development-oriented in his intellectual system? Second, what are the most important components of his development model? The research approach is qualitative and interpretive, using the method of content analysis and comparative analysis, in which his works were examined and key concepts were extracted. The findings are arranged in the form of a comparative table with theories of development sociology. The results show that Shariati considers development to be an endogenous, culturally-oriented process that relies on human empowerment. His development model is based on two main axes: cultural-spiritual development and economic development. In the cultural axis, components such as critical awareness, critical dialogue, critical coalition, critical pedagogy, and the rule of law play a role; And in the economic axis, political organization, physical environment, wise leadership, committed government, and responsible intellectuals are considered as key elements. The final analysis shows that cultural factors play a more prominent role in Shariati's thought than other components, and the dialectical relationship of these elements with economic and political structures provides the basis for the formation of a dynamic model of sustainable development. This model, if paid attention to and utilized, can provide a strategic model for policymakers and executives in the path of human and social development.





بررسی مفهوم توسعه در اندیشه های دکتر شریعتی

غلامرضا جمشیدیها^۱، محمدرضا حسینی^۲، هادی زمانی^۳

۱. استاد جامعه شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: gjamshidi@ut.ac.ir
۲. دانشیار، گروه جامعه شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت الله بروجردی، بروجرد، ایران. رایانامه: m.hosseini@abru.ac.ir
۳. دانشجوی دکتری جامعه شناسی، پردیس بین المللی کیش، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: hadizamani1404@yahoo.com

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

چکیده

این پژوهش با هدف واکاوی مفهوم توسعه در اندیشه های دکتر علی شریعتی، به بررسی عناصر بنیادین مدل توسعه ای وی پرداخته و تلاش کرده است به دو پرسش اصلی پاسخ دهد: نخست، آیا شریعتی در منظومه فکری خود توسعه محور بوده است؟ دوم، مهم ترین مؤلفه های مدل توسعه ای او کدامند؟ رویکرد پژوهش کیفی و تفسیری است و با بهره گیری از روش تحلیل مضمون و تحلیل تطبیقی که طی آن آثار وی بررسی و مفاهیم کلیدی استخراج شده اند. یافته ها در قالب جدول تطبیقی با نظریه های جامعه شناسی توسعه تنظیم گردیده اند. نتایج نشان می دهد که شریعتی توسعه را فرآیندی درون زا، فرهنگی محور و متکی بر توانمندسازی انسان می داند. مدل توسعه ای او بر دو محور اصلی استوار است: توسعه فرهنگی-معنوی و توسعه اقتصادی. در محور فرهنگی، مؤلفه هایی چون آگاهی نقادانه، گفت و گوی نقادانه، ائتلاف نقادانه، پداگوژی نقادانه و حاکمیت قانون نقش آفرین اند؛ و در محور اقتصادی، سازمان سیاسی، محیط فیزیکی، رهبری خردمندان، دولت متعهد و روشنفکر مسئول به عنوان عناصر کلیدی مطرح می شوند. تحلیل نهایی نشان می دهد که عوامل فرهنگی در اندیشه شریعتی نقش برجسته تری نسبت به سایر مؤلفه ها دارند و رابطه دیالکتیکی این عناصر با ساختارهای اقتصادی و سیاسی، زمینه ساز شکل گیری مدلی پویا از توسعه پایدار است. این مدل، در صورت توجه و بهره برداری، می تواند الگویی راهبردی برای سیاست گذاران و مدیران اجرایی در مسیر توسعه انسانی و اجتماعی فراهم آورد.

مقاله آماده انتشار

کلیدواژه ها: توسعه درون زا، آگاهی نقادانه، پداگوژی نقادانه، دولت متعهد، روشنفکر مسئول، سازمان سیاسی

DOI: <http://doi.org/00000000000000000000000000000000>



DOI: <http://doi.org/00000000000000000000000000000000>

© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه و بیان مسئله

دغدغه بسیاری از اندیشمندان در طول تاریخ رشد و پیشرفت کشور و ایجاد بستری امن از رفاه و آسایش برای زندگی همه افراد جامعه بوده است. واژه ای که در علم؛ بیان کننده این موضوع است، واژه « توسعه پایدار » است.

«توسعه پایدار (SD^1) به یک عبارت رایج در گفتمان توسعه معاصر تبدیل شده است. با این حال، علیرغم فراگیری و محبوبیت عظیمی که در طول سال ها به دست آورده است، این مفهوم هنوز مبهم به نظر می رسد، زیرا بسیاری از مردم همچنان در مورد معنا و تاریخچه آن و همچنین آنچه که در نظریه و عمل توسعه مستلزم و دلالت دارد، سوالاتی می پرسند.» (منسا و ریکارت کازادوال، ۲۰۱۹)

«جهان بینی نئوکلاسیک جریان اصلی، با تلفیق توسعه انسانی با رشد اقتصادی، آسیب بزرگی به سیاره و مردم وارد کرده است. این فرمول بندی محدود از توسعه انسانی، همراه با ظهور سرمایه داری مبتنی بر بازار، به روان و جامعه انسانی و همچنین محیط زیست آسیب قابل توجهی وارد کرده است. آرمان هنجاری انسان اقتصادی به عنوان یک بهینه ساز مستقل مطلوبیت، جامعه ای به شدت نابرابر ایجاد کرده است که انگیزه آن رقابت غیرانسانی است که در آن ثروت زیاد با فقر مطلق همزیستی دارد. جولی نلسون (۲۰۱۲) توضیح داده است که چگونه نظریه اقتصادی با مشروعیت بخشیدن و ایده آل جلوه دادن رقابت و حرص و طمع باعث اثرات مخرب شده است، ویژگی هایی که کاملاً در تضاد با آرمان های اسلامی همچون همکاری و سخاوت هستند و تخیل اخلاقی ما را مسموم می کند. بیماری های چون «رقص ایدئولوژی و ثروت نابرابر» (مک کارتی و همکاران، ۲۰۱۶) را می توان در انبوهی از مشکلات اجتماعی مانند فقدان انسجام اجتماعی، نهادهای ناپایدار، سلامت ضعیف مشاهده کرد.» (زمان و قادر، ۲۰۱۸)

«در سال ۱۹۸۷، کمیسیون براتلند گزارش خود با عنوان « آینده مشترک ما» را در تلاشی برای پیوند دادن مسائل توسعه اقتصادی و ثبات زیست محیطی منتشر کرد. در این راستا، این گزارش تعریف مکرر توسعه پایدار را به عنوان «توسعه ای که نیازهای زمان حال را بدون به خطر انداختن توانایی نسل های آینده برای تأمین نیازهای خود برآورده می کند» ارائه داد (مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۱۹۸۷، ص ۴۳) اگرچه تا حدودی این تعریف مبهم است، اما این مفهوم از توسعه پایدار با هدف حفظ پیشرفت و توسعه اقتصادی در عین محافظت از ارزش بلندمدت محیط زیست در نظر گرفته می شود. این مفهوم «چارچوبی برای ادغام سیاست های زیست محیطی و استراتژی های توسعه فراهم می کند» (اماس، ۲۰۱۵)

«همانطور که دکتر رفعت حسن، استاد دین و علوم انسانی در دانشگاه لویویل، مطرح کرده است: «مردم در بیشتر جوامع و کشورهای اسلامی، دین «اسلام»، را به عنوان یک ماتریس در نظر می گیرند و بیشتر مسائل زندگی خود را در چارچوب آن قرار می دهند.» (شاه کاکر و لغادی، ۲۰۲۲) و لذا جامعه ایران نیز بر اساس همین اصل و با توجه به غنای آثار علمی جهان اسلام بسیاری از متفکران دغدغه مند مسایل روز جامعه را به سمت تحلیل و تطبیق مسایل روز جهانی از جمله توسعه از دریچه اسلام سوق داده است. یکی از این متفکران علی شریعتی است که نقشی پر رنگ در تغییرات اجتماعی نوین ایران داشته است. سخنرانی ها و آثار او شکل دهنده افکار بسیاری از سیاستمداران و کنشگران اجتماعی قرار گرفته است. با توجه به اینکه وضعیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی ایران اسلامی از دید بسیاری از اندیشمندان این حوزه ها در حال حاضر، نابسامان قلمداد می شود. این تحقیق قصد دارد تا به این موضوع بپردازد که آیا شریعتی دیدگاه های توسعه محور داشته و اگر این چنین است مهمترین عناصر و مولفه های مدنظر او در این حوزه چه هستند و آیا می توان مدلی مشخص از آن ترسیم نمود.

¹ Sustainable Development

۲. اهداف و پرسش های تحقیق:

مهمترین هدف این تحقیق بررسی مفهوم توسعه در اندیشه های دکتر علی شریعتی و دستیابی به مدلی نظری در این خصوص می باشد

مهمترین سوالات این تحقیق عبارتند از اینکه:

- آیا دکتر شریعتی در نگرش خود توسعه محور بوده اند و بر مفهوم پیشرفت و توسعه پایدار تاکید داشته اند؟
- آیا می توان مدلی مشخص بر اساس رویکردهای نظری مطرح شده توسعه از دیدگاههای ایشان استخراج نمود.
- در واقع، عناصر و شاخص های این مدل نظری و روابط علی آنها چگونه است؟

۳. پیشینه تحقیق:

در سطح جهانی، پژوهش های متعددی به بررسی مفهوم توسعه پایدار از منظر اسلامی پرداخته اند. مقاله ای از لیب بسول (Labeeb Bsoul) و همکاران با عنوان «Islam's Perspective on Environmental Sustainability: A Conceptual Analysis» در مجله علوم اجتماعی نشان می دهد: که اصول توسعه پایدار، از جمله حفاظت از منابع طبیعی، مسئولیت اجتماعی، و آموزش زیست محیطی، در قرآن و سنت پیامبر اسلام نهادینه شده اند. نویسندگان تأکید می کنند که اسلام با ارائه الگوهایی اخلاقی و عملی، می تواند در حل بحران های محیط زیستی نقش آفرین باشد. (بسول، ۲۰۲۲)

در مقاله ای دیگر با عنوان «Ahmad» Islamic Perspective on Sustainable Development (Academia.edu). فاروق احمد به مبحث توسعه پایدار به عنوان مفهومی ریشه دار در آموزه های اسلامی پرداخته است. این مقاله با استناد به مقاصد شریعت، بر ضرورت هماهنگی میان فعالیت های انسانی و حفظ تعادل اجتماعی، اقتصادی و طبیعی تأکید دارد. نویسنده نتیجه می گیرد که توسعه پایدار اسلامی، فرصتی برای بازتعریف رابطه انسان با محیط و جامعه است. (احمد، ۲۰۲۵)

همچنین سلیمان دنگور (Suleman Dangor) در مقاله ی «Sustainable Development: Islamic Perspectives and Implementation» (مجله الواسطیه، ۲۰۲۳)، با بررسی دیدگاه های فعالان محیط زیست مسلمان و دولت های اسلامی، نشان می دهد که اصول توسعه پایدار در نهادهای تاریخی اسلام مانند وقف، زکات، و عدالت اجتماعی ریشه دارند. او نتیجه می گیرد که توسعه پایدار اسلامی، هم راستا با اهداف جهانی سازمان ملل، اما با چارچوب ارزشی خاص خود قابل تحقق است. (دنگور، ۲۰۲۳)

در سال های اخیر در ایران نیز، پژوهش های متعددی به بررسی نسبت میان دین و توسعه در اندیشه متفکران مسلمان از جمله علی شریعتی پرداخته اند. حمزه نوذری در مقاله ای با عنوان «نقد و بررسی آراء و اندیشه های متفکران مسلمان درباره رابطه میان دین و توسعه» (پژوهشگاه علوم انسانی)، سه رویکرد اصلی را معرفی می کند: تعارض (سید حسین نصر)، تمایز (مصطفی ملکیان)، و تکمیل (علی شریعتی). وی نتیجه می گیرد که شریعتی توسعه را نه در تقابل با دین، بلکه در امتداد رسالت دینی و اجتماعی انسان می بیند، و آن را در بستر جامعه توحیدی معنا می کند. (نوذری، ۱۳۹۴)

غلامرضا جمشیدیها و دکتر حمزه نوذری در مقاله ای با عنوان الگو پیشرفت اسلامی ایرانی از منظر شریعتی به مفهوم توسعه درون زا و بومی پرداختند و نتیجه گرفتند که: «شریعتی از الگوی پیشرفت غربی انتقاد می کند، او می کوشد با توجه به لایه های معرفتی و فرهنگی در جامعه ایران و برای حل مسائل و تأمین نیازهای آن، الگوی پیشرفت جدیدی بنیان گذارد. در این راستا راه برون رفت از محدودیتهای موجود در الگوی پیشرفت غرب را انکار فن و عقل ابزاری نمی داند بلکه راه حل را در تدوین الگوی پیشرفت جدیدی می داند که علاوه بر خرد، ابزاری سایر ابعاد عقل را که اسلام بر آنها مهر تأیید زده است به رسمیت بشناسد. در این الگو همچنین توجه به تاریخ و فرهنگ هر جامعه مبنا قرار می گیرد.» (جمشیدیها و نوذری، ۱۳۹۰).

همچنین، مقاله‌ای با عنوان «تحلیل ابعاد معرفتی جامعه توحیدی در اندیشه دکتر علی شریعتی» (پایگاه انسان‌شناسی و علوم اجتماعی)، به تبیین مناسبات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در چارچوب جهان‌بینی توحیدی می‌پردازد. نتیجه‌گیری این مقاله آن است که مفاهیمی چون عدالت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، و خودآگاهی جمعی در اندیشه شریعتی، با ارکان توسعه پایدار هم‌راستا بوده و می‌توان آن را نوعی «توسعه معنوی و مسئولانه» تلقی کرد. (زائری، ۱۳۹۳)

ناهید جهانی نسب در سال ۱۳۸۷ پایان‌نامه‌ای را با موضوع «بررسی توسعه فرهنگی در آرا و اندیشه‌های دکتر علی شریعتی» در مقطع کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان انجام داده است. در این مطالعه بر نقش فرهنگ در مفهوم توسعه در اندیشه‌های دکتر شریعتی تأکید شده است. جهانی نسب توسعه را از دیدگاه وی، رویکردی بومی و درون‌زا عنوان می‌نماید که: «بر سه اصل خودباوری فرهنگی، تصفیه و پالایش منابع فرهنگی و ارتباط آگاهانه با فرهنگها و تمدنهای دیگر استوار است» (جهانی نسب، ۱۳۸۷)

محمد حسین رفیعی نیز مقاله‌ای را با عنوان «شریعتی؛ الگوی آرمانی توسعه و تجلی در قانون اساسی سال ۱۳۵۸» در ماهنامه چشم انداز ایران منتشر نموده است. از دید نویسنده مجموعه کارهای شریعتی و مخصوصاً واپسین نوشته‌های او تبلور يك الگوی توسعه برای جامعه ایران می‌باشد (رفیعی، ۱۳۸۳)

آنچه که وجه تمایز این تحقیق با سایر مطالعات یاد شده می‌باشد؛ استخراج عناصر و مولفه‌های توسعه پایدار از نگرش علی شریعتی و تدوین مدلی مفهومی بر اساس آن می‌باشد که تکمیل‌کننده مطالعات ارزشمند گذشتگان قرار گیرد.

۴. چهارچوب نظری تحقیق:

۱. مکتب نوگرایی (Modernization Theory)

توسعه در این مکتب به‌مثابه گذار از سنت به مدرنیته تعریف می‌شود. شاخص‌های آن شامل رشد اقتصادی، صنعتی شدن، آموزش، و نهادهای مدرن است و نظریه‌پردازان اصلی عبارت‌اند از:

- والت دلبیو. روستو (Walt W. Rostow): نظریه مراحل رشد اقتصادی، از جامعه سنتی تا مصرف‌انبوه (Thaha & Galib, 2022)

- دانیل لرنر (Daniel Lerner): نقش رسانه‌ها و نخبگان در تحول جوامع سنتی (Saylan & Çelikoğlu, 2021)

- گونار میردال (Gunnar Myrdal): اهمیت آموزش و تحول نهادهای اجتماعی در توسعه (Da Silva, 2021)

نقد شریعتی: او مدرنیته بدون عدالت و معنویت را توسعه‌ای ناقص می‌داند و خواهان مدرنیته‌ای با ریشه‌های توحیدی و بومی است.

۲. مکتب وابستگی (Dependency Theory)

این مکتب توسعه‌نیافتگی را نتیجه ساختارهای تحمیلی نظام سرمایه‌داری جهانی می‌داند. شاخص‌های آن شامل تقسیم جهانی کار و بهره‌کشی از کشورهای پیرامونی است.

نظریه‌پردازان اصلی:

- آندره گوندر فرانک (Andre Gunder Frank): توسعه‌ی یک گروه، توسعه‌نیافتگی گروه دیگر (Kiely, 2017)

- ایمانوئل والرشتاین (Immanuel Wallerstein): نظام جهانی سرمایه‌داری و موقعیت نابرابر کشورهای پیرامونی (Kiely, 2017)

- فرانتس شورمن (Frantz Schurmann): توسعه‌نیافتگی به‌عنوان پیامد طبیعی سیستم جهانی (Sociology Group, 2022)

نقد شریعی: هرچند با نقد سرمایه‌داری هم‌داستان است، اما راه‌حل را در بازگشت به ریشه‌های فرهنگی و دینی می‌بیند، نه صرفاً در تقابل با غرب.

۳. مکتب اسلامی توسعه

توسعه در این مکتب به‌مثابه رسالت انسانی در بستر جامعه توحیدی معنا می‌شود. شاخص‌ها شامل عدالت اجتماعی، خودباوری فرهنگی، و پالایش منابع سنتی است و نظریه‌پردازان مرتبط عبارتند از:

- فضل‌الرحمن (Fazlur Rahman): تفسیر اخلاقی و تاریخی از توسعه اسلامی (Bustamam Ahmad, 2025)

- سید حسین نصر: نقد مدرنیته و تأکید بر سنت‌های متافیزیکی اسلام (Nasr, 2003)

- فاروق احمد: توسعه پایدار در چارچوب مقاصد شریعت (Ahmad, n.d).

- لیبب بسول (Labeeb Bsoul) و همکاران: تحلیل مفهومی پایداری زیست‌محیطی در اسلام (Bsoul et al., 2022)

- علی شریعی: توسعه را در امتداد دین می‌بیند؛ با تأکید بر امت وفادار، رهبری آرمانی، و تلفیق سنت و تکنولوژی

۴. مکتب پداگوژی انتقادی جماعت‌محور (Critical Community-Based Pedagogy)

توسعه در این مکتب به‌مثابه کنش جمعی برای عدالت اجتماعی تعریف می‌شود. شاخص‌ها شامل آگاهی نقادانه، ائتلاف راهبردی، و بازسازی روابط انسانی است. نظریه‌پردازان اصلی آن عبارتند از:

- مارگارت لدویت (Margaret Ledwit): توسعه جماعت‌محور و آموزش برای عدالت اجتماعی (Ledwith, 2011; Wight, 2017)

- ویلکینسون و پیکت (Wilkinson & Pickett): نابرابری اجتماعی منشأ بحران‌های روانی و بی‌اعتمادی (Ledwith, 2018)

- پائولو فریره (Paulo Freire): آموزش رهایی‌بخش، نقد «فرهنگ سکوت»، و مشارکت مردمی (Freire, 1985; Corbett & Guilherme, 2021)

نقد شریعی: شریعی نیز آموزش را ابزار رهایی می‌داند؛ آگاهی نقادانه در پداگوژی با بیداری تاریخی در اندیشه او هم‌راستا است. توسعه پایدار از نظر او نیازمند پالایش فرهنگی، کنش جمعی، و سازمان‌دهی اجتماعی برای عدالت است.

۵. مکتب انتقادی (Critical Theory)

این مکتب با نقد مدرنیسم، لیبرالیسم و توسعه غربی، بر عدالت اجتماعی، آگاهی انتقادی و پیوند میان ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و روانی تأکید دارد. نظریه‌پردازان اصلی عبارتند از:

- آنتونی گیدنز: تحول اجتماعی از طریق محیط، سیاست و فرهنگ (Giddens, 2006)

- متفکران مکتب فرانکفورت: آدورنو، هورکهایمر، مارکوزه؛ نقد ساختارهای سلطه و مسئولیت روشنفکر (Internet Encyclopedia of Philosophy, 2021; ThoughtCo, 2019)

نقد شریعی: او روشنفکر را مسئول بیداری جامعه می‌داند؛ نه بی‌طرف، بلکه متعهد به حقیقت و عدالت. توسعه را پروژه‌ای چندلایه، اخلاقی و توحیدی می‌بیند.

تعریف مفاهیم کلیدی پژوهش

در این پژوهش، مفاهیم بنیادین توسعه، توسعه پایدار، جماعت، آگاهی نقادانه، و خودباوری فرهنگی به‌عنوان عناصر اصلی چارچوب نظری مورد توجه قرار گرفته‌اند:

- توسعه: فرایندی چندبُعدی است که شامل تحول در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی یک جامعه می‌شود. همانگونه که قبلاً هم ذکر شد؛ آنتونی گیدنز در فصل «دگرگونی اجتماعی» کتاب جامعه‌شناسی خود، سه عامل محیط فیزیکی،

سازمان سیاسی و عوامل فرهنگی را به‌عنوان محرک‌های اصلی این تحول معرفی می‌کند که در صورت تحقق، به دگرگونی‌های بنیادین در جامعه منجر می‌شوند (Giddens, 2006).

- توسعه پایدار: نوعی از توسعه است که ضمن پاسخ‌گویی به نیازهای کنونی، توانایی نسل‌های آینده را برای تأمین نیازهایشان حفظ می‌کند. کمیسیون برانتلند (۱۹۸۷) این مفهوم را در سطح جهانی مطرح کرد، و پژوهش‌هایی مانند Bsoul et al. (۲۰۲۲) و Ahmad (n.d.) نشان داده‌اند که اصول توسعه پایدار در آموزه‌های اسلامی نیز نهادینه شده‌اند، از جمله عدالت اجتماعی، حفاظت از منابع طبیعی، و تعادل زیست‌محیطی.

- جماعت: در چارچوب پداگوژی انتقادی، جماعت به‌مثابه بستر کنش جمعی، همبستگی اجتماعی، و روابط انسانی تعریف می‌شود. مارگارت لدویت در کتاب نگرشی انتقادی به توسعه جماعت‌محور، جماعت را عنصر بنیادین توسعه می‌داند که در آن اعتماد، مشارکت، و عدالت اجتماعی شکل می‌گیرد (Ledwith, 2011؛ ترجمه فارسی، ۱۳۹۷).

- آگاهی نقادانه: توانایی شناخت ساختارهای سلطه، نقد وضعیت موجود و اقدام برای تغییر است. پائولو فریره در کتاب آموزش رهایی‌بخش، این مفهوم را پایه تحول اجتماعی می‌داند و معتقد است که آموزش باید انسان را از «فرهنگ سکوت» رها کرده و به تفکر، گفت‌وگو و کنش دعوت کند (Freire, 1985).

- خودباوری فرهنگی: باور به توانایی‌های درونی جامعه برای تعریف مسیر توسعه، بدون وابستگی به الگوهای تحمیلی غربی. دکتر علی شریعتی این مفهوم را یکی از ارکان توسعه بومی می‌داند و در آثار خود بر پالایش منابع فرهنگی، بازگشت به سیره اهل بیت (س) و مقاومت در برابر استعمار فرهنگی تأکید می‌کند (شریعتی، مجموعه آثار؛ جهانی‌نسب، ۱۳۷۶).

مفاهیم فوق، بنیان نظری پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند و در تلفیق با مکاتب توسعه، زمینه‌ساز طراحی الگوی بومی برای توسعه پایدار در اندیشه دکتر علی شریعتی خواهند بود. هر یک از این مفاهیم، نه‌تنها در نظریه‌های جهانی ریشه دارند، بلکه در اندیشه اسلامی و تجربه تاریخی جامعه ایرانی نیز معنا و کاربردی خاص یافته‌اند. این تلفیق نظری، امکان بازتعریف توسعه را فراهم می‌سازد؛ توسعه‌ای که از دل فرهنگ، ایمان، و کنش جمعی برمی‌خیزد و با عدالت اجتماعی، آگاهی تاریخی، و حفظ منابع معنوی و طبیعی هم‌راستا است (Ledwith, 2011; Freire, 1985; Bsoul et al., 2022; Giddens, 2006؛ شریعتی، مجموعه آثار)

جدول (۱): جدول تطبیقی مکاتب نظری توسعه و بازتاب آن‌ها در اندیشه شریعتی

مکتب نظری	نگرش اصلی به توسعه	نظریه پردازان کلیدی	مولفه های کلیدی	ارتباط با اندیشه شریعتی
نوگرایی	گذار از سنت به مدرنیته	والت دبلیو. روستو، دانیل لرنر و گونار میردال	رشد اقتصادی، صنعتی‌شدن، آموزش، نهادهای مدرن	نقد مدرنیته بدون عدالت؛ تأکید بر توسعه بومی و توحیدی
وابستگی	توسعه نیافتگی به مثابه ساختار تحمیلی	آندره گوندر فرانک، ایمانوئل والرشتاین و فرانتس شورمن	تقسیم جهانی کار، موقعیت پیرامونی، نابرابری ساختاری	نقد سلطه جهانی - تأکید بر خودباوری فرهنگی و مقاوت اجتماعی
توسعه اسلامی	توسعه به مثابه رسالت انسانی در جامعه توحیدی	فضل رحمان، سید حسین نصر، لیبب بسول و همکاران و علی شریعتی	عدالت اجتماعی، پالایش فرهنگی، مقاصد شریعت، ارتباط آگاهانه با تمدن‌ها	توسعه در امتداد دین، امت وفادار، رهبری آرمانی، تلفیق سنت و تکنولوژی
پداگوژی جماعت‌محور	توسعه به‌مثابه کنش جمعی برای عدالت	مارگارت لدویت، ویلکینسون و بیکت، پائولو فریره	آگاهی نقادانه، ائتلاف راهبردی، نقد نابرابری، بازسازی روابط انسانی	امت آگاه، بیداری فرهنگی، آموزش رهایی‌بخش، کنش اجتماعی برای عدالت

روشنفکر مسئول، نقد فرهنگ سکوت، توسعه به مثابه بیداری و رهایی	نقد ساختارهای سلطه، پیوند اقتصاد و فرهنگ، آموزش برای آزادی	آدورنو، هورکهایمر، مارکوزه و آنتونی گیدنز	نقد مدرنیسم و لیبرالیسم؛ روشنفکر متعهد	مکتب انتقادی
--	--	---	--	--------------

۵. روش تحقیق:

پژوهش حاضر از نوع نظری-تحلیلی است و هدف آن، واکاوی تطبیقی مکاتب نظری توسعه و تبیین مؤلفه‌های توسعه پایدار در اندیشه دکتر علی شریعی با تمرکز بر نقد مدرنیته، بازسازی فرهنگی و کنش جمعی در بستر جامعه اسلامی است.

رویکرد پژوهش کیفی و تفسیری است و با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون و تحلیل تطبیقی، به بررسی مفاهیم کلیدی توسعه در مکاتب مختلف و بازتاب آن‌ها در اندیشه علی شریعی می‌پردازد. این رویکرد امکان استخراج مؤلفه‌های مفهومی و طراحی مدل نظری را فراهم می‌سازد و داده‌ها از طریق مطالعه اسنادی و تحلیل متون گردآوری شده‌اند. منابع شامل:

۱- آثار مکتوب دکتر علی شریعی، از جمله امت و امامت، بازگشت به خویشتن، اسلام‌شناسی، مذهب علیه مذهب، چه باید کرد؟، تاریخ تمدن، حسین وارث آدم، فاطمه فاطمه است و در بعضی موارد مطالعه در مجموعه آثار

۲- نظریه‌های جامعه‌شناسی توسعه شامل: مکاتب نوگرایی، وابستگی، توسعه اسلامی، پداگوژی انتقادی و نظریه انتقاد

۳- مقالات علمی فارسی و انگلیسی در حوزه توسعه پایدار، پداگوژی و عدالت اجتماعی

۴- پایگاه‌های معتبر علمی مانند Academia، ResearchGate و فصلنامه‌های دانشگاهی

تحلیل داده‌ها در سه مرحله انجام شده است:

اول استخراج مؤلفه‌های کلیدی هر مکتب نظری - فکری

دوم مقایسه تطبیقی این مؤلفه‌ها با اندیشه دکتر شریعی

و سوم طراحی جدول تطبیقی و مدل مفهومی برای تبیین مسیر توسعه پایدار

برای افزایش اعتبار پژوهش، از منابع اصلی نظریه‌پردازان و آثار معتبر دانشگاهی استفاده شده است. همچنین، تحلیل‌ها با استناد مستقیم به متون دکتر شریعی و تطبیق با نظریه‌های معاصر توسعه، از منظر فرهنگی، اجتماعی و دینی اعتبارسنجی شده‌اند. تنوع منابع، انسجام مفهومی، و تطابق با سنت انتقادی، روایی پژوهش را تقویت کرده‌اند.

برای اعتبارسنجی ابزار پژوهش، جدول امتیازدهی مؤلفه‌های نظری توسط دو استاد حوزه جامعه‌شناسی توسعه و اندیشه اسلامی مورد بررسی قرار گرفت و اعتبار روایی آن تأیید شد.

۶. یافته‌های تحقیق:

توسعه در اندیشه دکتر علی شریعی

از دیدگاه دکتر شریعی، توسعه مفهومی صرفاً اقتصادی یا فنی نیست، بلکه فرآیندی متعالی است که در بستر یک مکتب فکری روشن، اندیشه‌ورزی عمیق و برنامه‌ای دقیق شکل می‌گیرد. او با نقد دموکراسی‌های مصرف‌گرا، از «دموکراسی متعهد» سخن می‌گوید؛ نوعی حاکمیت که هدفش صرفاً جلب رضایت لحظه‌ای مردم نیست، بلکه مأموریت دارد جامعه را دگرگون کند. از زبان و فرهنگ گرفته تا روابط اجتماعی و سطح زندگی. این دموکراسی، در چارچوب یک مکتب فکری تعریف می‌شود و به دنبال رشد

آگاهی، تغییر بینش و ساختن جامعه‌ای نو است، نه صرفاً تأمین خواسته‌های موجود (شریعی، ۸۸: ۲۰۰)

اندیشه‌ورزی، نقطه آغاز توسعه

برای درک توسعه از منظر شریعتی، نخستین گام توجه به جایگاه اندیشه و اندیشه‌ورزی است. او در تعریف «امت»، مهم‌ترین تفاوت آن با مفاهیمی چون قبیله، طایفه یا توده را در «همفکری» می‌داند. به باور شریعتی، «عالی‌ترین و مقدس‌ترین پیوندها، پیوند همفکری و هم‌اعتقادی است... نزدیک‌ترین و خویشاوندترین کسان من، کسانی هستند که مثل من می‌اندیشند و ایمانی هم‌رنگ من دارند» (شریعتی، ۸۸: ۷۳). در این چارچوب، اندیشه نه فقط ابزار شناخت، بلکه مبنای پیوند اجتماعی و شکل‌گیری امت است. امت، به‌عنوان نخستین مؤلفه در شکل‌گیری جامعه توسعه‌محور، بر پایه اشتراک فکری و هدف‌گذاری مشترک بنا می‌شود. این نگاه، با دیدگاه جامعه‌شناسانی چون فرانسوا اپرو نیز هم‌راستا است؛ او چهار عامل محرک توسعه را «جمعیت، نوآوری، تسلط اقتصادی و دینامیسم اجتماعی» می‌داند (خانی و نصرالهی، ۱۳۹۲). شریعتی، بالاترین سطح اجتماع انسانی را مجموعه‌ای از افراد می‌داند که در ویژگی‌های زیر اشتراک دارند:

۱. اشتراک در هدف و قبله
۲. حرکت جمعی به سوی آن هدف
۳. نیاز به رهبری و هدایت مشترک
۴. باور به کمال به‌عنوان غایت زندگی
۵. وجود امام یا رهبر هدایت‌گر
۶. اعتقاد به پیشرفت و تحول روابط فکری و اجتماعی
۷. تعصب و پشتکار در مسیر تحقق هدف
۸. اندیشه‌ورزی به‌عنوان نقطه متعالی اشتراک
۹. عمل‌گرایی به‌مثابه تحقق عینی اندیشه‌ها (شریعتی، سخنرانی «امت و امامت»).

از اندیشه بالقوه تا کنش بالفعل

شریعتی میان اندیشه صرف و تحقق عملی آن تمایز قائل است. او می‌نویسد: «من چنین می‌اندیشم، من این عقیده را دارم... مفاهیمی ذهنی و پوچ‌اند، مگر آن‌که در عمل تحقق یابند. همفکری، تا زمانی که به کنش منتهی نشود، وجودی بالقوه و فلسفی دارد و هنوز به وجود بالفعل عینی نرسیده است» (شریعتی، ۸۸: ۷۳-۷۴). در این نگاه، توسعه پایدار زمانی معنا می‌یابد که اندیشه به کنش اجتماعی، اصلاح ساختارها و تغییر بنیادین منجر شود. همفکری، اگر در عمل تجلی نیابد، نمی‌تواند مبنای قضاوت یا تحول باشد.

توسعه به مثابه کمال

تلفیق اندیشه و عمل شریعتی؛ توسعه را در معنای کمال تعریف می‌کند. مفهومی متعالی که در آن، اندیشه و عمل همچون دو بال یک عقاب بلندپرواز عمل می‌کنند. او تأکید دارد که «اندیشه بدون عمل و عمل بدون اندیشه» هر دو ناقص‌اند و نمی‌توانند جامعه را به سوی تعالی سوق دهند. این عقاب، تنها زمانی به اوج آسمان کمال پرواز می‌کند که هر دو بال؛ اندیشه و عمل، هم‌سطح، هم‌وزن و هماهنگ باشند. در این چارچوب، توسعه نه صرفاً برنامه‌ریزی اقتصادی، بلکه فرآیندی اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی است که با اندیشه‌ورزی آغاز می‌شود، با کنش اجتماعی تداوم می‌یابد و در نهایت به کمال انسانی و اجتماعی منتهی می‌گردد.

آگاهی نقادانه و رهایی بخش

در اندیشه دکتر علی شریعتی، رهایی مفهومی صرفاً سیاسی یا اقتصادی نیست، بلکه فرآیندی چندلایه و استعلایی است که از شناخت اسارت آغاز می‌شود و به خودآگاهی کامل منتهی می‌گردد. شریعتی با نقد ساختارهای سلطه‌گرایی سنتی و مدرن، از «استحمار» به‌عنوان اغفال اندیشه‌ها از انسان بودن و زیستن مستقل یاد می‌کند؛ وضعیتی که مانع شکل‌گیری سوژه آزاد و

مسئول می‌شود. احسان شریعتی، در تفسیر این بینش، رهایی را نیازمند مشارکت فعال سوژه در نوعی «پراکسیس معنوی عاشقانه یا عارفانه» می‌داند. نخستین گام در این مسیر، شناخت اشکال متنوع اسارت است. از ولایت قهری والدین گرفته تا سلطه سیاسی، استثمار اقتصادی، و استحمار فرهنگی-اجتماعی، چه در قالب سنت دینی و چه عرف اجتماعی (قطبی، ۱۴۰۳).

شریعتی، با الهام از فرانتس فانون، در جستجوی «انسانیتی نو، با پوستی به رنگ دیگر» است؛ انسانی که از بیگانگی (الیناسیون) رها شده و به بازیافت «ذات» خویش نائل آمده باشد. در این چارچوب، آزادی نخستین مالکیت ذاتی انسان است؛ همان چیزی که «خویشتن» او را می‌سازد. خودآگاهی، به معنای بازپس‌گیری این مالکیت غصب‌شده و تصاحب مجدد آن است.

در انسان‌شناسی اگزیستانسیالی-توحیدی شریعتی، انسان موجودی آزاد و انتخاب‌گر است؛ پلی میان حیوان و ابرانسان، یا به تعبیر او، میان طبیعت و خدا. بدون آزادی، نه مسئولیتی متوجه انسان است و نه کرامتی. عظمت انسان در همین شکنندگی وجدان اوست. در امکان‌گناه، در نی‌اندیشه‌ناک بودن، به تعبیر پاسکال.

شریعتی در تحلیل روان‌شناختی خود، سه نیروی «نفع، ترس و جهل» را محرک‌های بنیادین رفتار انسان می‌داند؛ نیروهایی که در سطح اجتماعی، ساختار سه‌وجهی «زر، زور و تزویر» را شکل می‌دهند. انسان، در این ساختار، در زندانی چهارضلعی گرفتار است: زندان‌های طبیعی، تاریخی، اجتماعی و روان‌شناختی. زندگی حقیقی او، تنها در مبارزه‌ای استعلائی و مستمر برای فرارفتن از این تناهای‌ها تبلور می‌یابد.

رهایی، در این معنا، نه صرفاً خروج از سلطه، بلکه مشارکت فعال در فرآیند خودآگاهی است. این مشارکت، به تعبیر احسان شریعتی، نوعی پراکسیس معنوی عاشقانه یا عارفانه است. در این مسیر، شریعتی بر آگاهی نقادانه تأکید دارد. آگاهی‌ای که بر پایه یاد گرفتن و یاد دادن، و برآمده از درد، عشق و عمل است. این آگاهی، قدرت‌رهایی‌بخش دارد؛ نه فقط برای فرد، بلکه برای جامعه‌ای که در بند ساختارهای سلطه‌گرانه گرفتار آمده است.

ائتلاف نقادانه و عدالت اجتماعی

توسعه پایدار بدون شکل‌گیری یک ائتلاف نقادانه و راهبردی میان نیروهای اجتماعی ممکن نیست. این ائتلاف، بر پایه آگاهی انتقادی، کنش جمعی و رهبری متعهد شکل می‌گیرد و هدف آن، دستیابی به عدالت اجتماعی و رهایی از ساختارهای سلطه‌گرانه است. شریعتی در آثار خود، با الهام از قرآن، تأکید می‌کند که نخست باید انسان متفکر و معتقد ساخته شود، سپس جامعه انسانی و زندگی متحول گردد (شریعتی، ۸۸: ۲۶). این نگاه، با دیدگاه پائولو فریره در کتاب آموزش ستمدیدگان (۱۹۷۲) هم‌راستا است؛ جایی که آموزش انتقادی به‌مثابه تحلیل قدرت و ساختارهای اجتماعی تعریف می‌شود. فریره، آموزش را از کلاس درس جدا نمی‌داند، بلکه آن را در متن زندگی روزمره، در مکان‌هایی که مردم با امید، ترس، خشم یا اشتیاق سخن می‌گویند، معنا می‌کند (Hope & Timmel, 1984). او معتقد است که آموزش و توسعه باید از مسائل واقعی مردم آغاز شود تا به آگاهی نقادانه منجر

گردد. آگاهی‌ای که نقطه مقابل «فرهنگ سکوت» است و توان رهایی‌بخشی دارد. (Ledwith, 2017: 127-128) شریعتی نیز با نقد تمدن غرب، از آسیب‌هایی چون الیناسیون، تجدد سطحی، ماشینیسم، خودتحقیری و تفرقه یاد می‌کند و راه علاج را در «بازگشت به خویشتن» می‌داند. او هشدار می‌دهد که اگر بخواهند جامعه‌ای را از رشد بازدارند، کافی است امکان تولید فکری را از نسل‌های آن بگیرند؛ زیرا پیش از هر کارخانه، باید ذهنی روشن و انسانی بیدار وجود داشته باشد. در این چارچوب، شریعتی جامعه امروز را زیر سلطه نظم ماشینی، سرمایه‌داری و مصرف‌گرایی می‌بیند. نظمی که انسان را در قالبی تنگ و تحمیلی قرار می‌دهد و او را از «من حقیقی» خویش دور می‌سازد. انسان، در این وضعیت، ابزار کار، پول، قدرت و احساسات تحریف‌شده را جای خویشتن می‌نشانند و به‌تدریج خود را گم می‌کند. مارگارت لدویت، در کتاب نگرشی انتقادی به توسعه جماعت‌محور، به نقل از ویلکینسون و بیکت (۲۰۰۹) می‌نویسد که بهبود کیفیت زندگی دیگر وابسته به رشد اقتصادی نیست، بلکه به رابطه‌های اجتماعی و جماعت‌بستگی دارد. نابرابری‌های عظیم، سرچشمه مشکلات اجتماعی‌اند و موجب سستی زندگی جمعی، کاهش اعتماد و افزایش

خسونت می‌شوند. (Ledwith, 1397) لدویت، در تعریف «ائتلاف نقادانه»، آن را نوعی ائتلاف راهبردی می‌داند که با گذشتن از تفاوت‌ها، بر پایه توان تجمیع‌شده عاملان گوناگون در کنش دسته‌جمعی برای دستیابی به عدالت اجتماعی شکل می‌گیرد (Ledwith, 2017: 17) آن مفهوم، در اندیشه شریعتی با پویایی و حرکت افراد جامعه که دارای اندیشه مشترک، آرمان متعالی، و رهبری واحد هستند، معنا می‌یابد. وجه تمایز شریعتی با فریره، در تأکید او بر نقش «رهبری و امامت» در شکل‌گیری ائتلاف نقادانه است. شریعتی معتقد است که حرکت جامعه به سوی عدالت اجتماعی، نیازمند رهبری شایسته‌ای است که بتواند آگاهی، ایمان و کنش جمعی را در مسیر رهایی سازمان‌دهی کند.

رهبری خردمندانه و جهت‌دهی متعالی

در اندیشه دکتر علی شریعتی، توسعه پایدار تنها زمانی محقق می‌شود که جامعه از طریق آگاهی‌بخشی، خردمندی و کنش جمعی به سمت هدفی متعالی سوق داده شود. این مسیر، نیازمند رهبری‌ای خردمند، شایسته و الهام‌بخش است؛ رهبری‌ای که بتواند امت آگاه را از تاریکی‌های تاریخ، استبدادزدگی، و ساختارهای استعماری و استعمارگرانه عبور دهد و به سوی کمال انسانی و اجتماعی هدایت کند. شریعتی، انسان مدرن را «مسافر» و «مهاجر» می‌نامد. موجودی که ابزار حرکت دارد اما راهنما ندارد؛ توان رفتن دارد اما دانایی رفتن را از دست داده است. این پریشانی، به‌زعم او، ناشی از فقدان «رائد»، «نمونه»، و «پیشوا» ایی است که بتواند مسیر را نشان دهد و الگو باشد (شریعتی، ۱۳۵۴: ۱۰۶). در این چارچوب، امامت نه صرفاً یک مقام سیاسی، بلکه فلسفه‌ای برای جهت‌دهی جامعه بر اساس پیشرفت، تغییر و تکامل است. امام، با اندیشه، گفتار و سبک زندگی‌اش، مسیر رشد را نشان می‌دهد و انسان‌ها را از گم‌گشتگی و سرنوشت گوسفندوار مصون می‌دارد (همان: ۵۰). او نه فقط در یک بُعد یا زمان خاص، بلکه در همه ابعاد انسانی، نمونه‌ای زنده و جاوید از انسان ایده‌آل است. شریعتی تأکید دارد که دین در نگاه او، مدینه فاضله‌ای خیالی نیست، بلکه مکتبی است که می‌تواند بر زمین تحقق یابد. امام، تجسم فضائل انسانی است. از آگاهی و اختیار تا مسئولیت، زیبایی، رشد و آفرینندگی. او نشان می‌دهد که انسان می‌تواند جانشین خدا در طبیعت باشد، اگر خود را بشناسد، بسازد و در مسیر کمال حرکت کند (همان: ۱۲۳-۱۲۴).

دولت متعهد و دموکراسی هدایت‌شده (ساختار سیاسی در خدمت آگاهی، عدالت و کمال)

دکتر علی شریعتی معتقد است که: توسعه پایدار بدون وجود یک دولت متعهد و رهبری خردمندانه امکان‌پذیر نیست. دولت، به‌عنوان ساختار سیاسی جامعه، باید نه صرفاً بر پایه رأی عمومی، بلکه بر اساس برنامه‌ای متعالی برای ارتقاء بینش، فرهنگ، و سطح زندگی مردم عمل کند. شریعتی دموکراسی را به دو گونه تقسیم می‌کند: دموکراسی آزاد، که صرفاً بر رأی مردم تکیه دارد و دموکراسی متعهد که با هدف دگرگونی آگاهانه جامعه، زبان، فرهنگ و روابط اجتماعی شکل می‌گیرد (شریعتی، ۱۳۵۴: ۲۰۰-۲۰۲). این نگاه، با تحلیل‌های جامعه‌شناسانی چون گیدنز و تی. اچ. مارشال نیز هم‌راستا است. گیدنز دولت را نهادی می‌داند که با اقتدار قانونی و توان اعمال قدرت، بر قلمروی مشخص حکومت می‌کند (گیدنز، ۱۳۷۸). مارشال نیز سه سطح از حقوق شهروندی را برمی‌شمارد: مدنی، سیاسی، و اجتماعی که در کنار هم، بنیان مشارکت و عدالت را شکل می‌دهند. شریعتی اما فراتر از این سطوح، بر نقش رهبری شایسته در هدایت این دولت تأکید دارد. از دیدگاه او، دولت متعهد باید مردم را از طریق آگاهی نقادانه، آموزش مستمر و سازمان‌دهی فرهنگی به سطحی از خردورزی برساند که بتوانند انتخاب‌های آگاهانه داشته باشند. این فرآیند، نیازمند رهبری‌ای است که نه تنها دانش و تخصص، بلکه عشق بی‌قید به خدمت و تعهد به تعالی یکایک افراد جامعه را در قلبش پیرواند. در این چارچوب، دولت متعهد همچون قطاری است که جامعه را در مسیر پر فراز و نشیب توسعه، عدالت و کمال هدایت می‌کند. این دولت، با استقرار نهادهای فرهنگی نقادانه، ایجاد سازوکارهای پایدار و حمایت از روشنفکران و نخبگان، بستر دگرگونی اجتماعی را فراهم می‌سازد. دموکراسی متعهد، نه تنها در تغییر نگرش‌ها و باورها، بلکه در ساختارهای توسعه‌ای جامعه نیز تجلی می‌یابد و به‌عنوان آرمانی متعالی، از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود.

روشنفکر مسئول و بیدارگر اجتماعی

از دید او؛ روشنفکر نه فیلسوف است، نه دانشمند، نه هنرمند؛ بلکه انسانی خودآگاه، متعهد و دارای جهت‌گیری اجتماعی است. او نیز زمان را در دست دارد، زبان مردم را می‌فهمد و با دل و جان درگیر مسائل جامعه خویش است. روشنفکر، نه رهبر سیاسی، بلکه بیدارگر اجتماعی است؛ کسی که با آگاهی انتقادی، مردم را از بندهای جهل، خرافه، و سلطه رها می‌سازد. شریعتی روشنفکر را در دو حیثیت سلبی و ایجابی تعریف می‌کند. در حیثیت سلبی، روشنفکر الزامی به تخصص علمی ندارد؛ بلکه تعهد انسانی و اجتماعی اوست که نقش تعیین‌کننده دارد. در حیثیت ایجابی، روشنفکر باید واجد ویژگی‌هایی باشد که او را به نیروی تحول‌ساز بدل می‌کند:

- آگاهی و تعهد اجتماعی: روشنفکر با جامعه پیوندی عمیق دارد و در برابر آن احساس مسئولیت می‌کند.
 - ارتباط مستقیم با جامعه: او باید جامعه‌اش را از نزدیک بشناسد؛ از تاریخ و فرهنگ تا نهادها و حساسیت‌های قومی.
 - شناخت فرهنگ و مذهب اسلامی: نقد مذهب باید از درون فرهنگ و با مسئولیت باشد، نه با انکار سطحی.
 - تحلیل منطقی و مستقل: روشنفکر با منطق خود می‌اندیشد، نه با تقلید.
 - بینش انتقادی: او منتقد وضع موجود و جویای وضع مطلوب است.
 - رهبری پیامبرانه: همچون پیامبران، با زبان مردم سخن می‌گوید و آنان را بیدار می‌سازد.
 - تعهد انسانی فراتر از قوم و طبقه: روشنفکر به انسانیت متعهد است، نه به منافع خاص.
 - پایه‌های نظری روشن: مبارزه‌اش بر اساس اصولی چون آزادی، عدالت، و برابری است.
- در این چارچوب، روشنفکر مسئول نقشی کلیدی در توسعه فرهنگی که مهمترین بخش توسعه پایدار است، ایفا می‌کند. او پلی است میان آگاهی نقادانه و کنش اجتماعی و صدای وجدان بیدار جامعه در مسیر رهایی و کمال و هدایت منابع و امکانات به سمت اقتصادی برگرفته از معنویت و احترام به هستی.

هستی‌شناسی معناگرا (توسعه به مثابه بازسازی رابطه انسان و هستی)

هستی نه صرفاً مجموعه‌ای از پدیده‌های طبیعی، بلکه عرصه‌ای برای تحقق معنا و مسئولیت انسانی است. او با نقد نگاه ابزاری به طبیعت، توسعه را فرآیندی می‌داند که باید به بازسازی رابطه انسان با هستی منجر شود. در این نگاه، طبیعت نه منبعی برای بهره‌برداری، بلکه بستری برای زیست معنا و تعهد است (شریعتی، ۱۳۵۶: ۲۳). شریعتی با الهام از سنت عرفانی و نگاه اگزیستانسیالیستی، هستی را محل آزمون انسان می‌داند؛ جایی که انسان باید با انتخاب، مسئولیت و آگاهی، معنا بیافریند. توسعه پایدار در این چارچوب، مستلزم بازگشت به رابطه‌ای اخلاقی و معنوی با طبیعت است، نه تسلط و مصرف‌گرایی

انسان‌شناسی مسئولانه (انسان به مثابه حامل تاریخ و تعهد)

انسان موجودی تاریخی، انتخاب‌گر و مسئول است. او با نقد انسان‌زدایی در توسعه مدرن، بر بازگشت به خویشتن تأکید می‌کند. انسان در نگاه شریعتی، نه موجودی منفعل، بلکه کنش‌گری است که باید نقش تاریخی خود را در مسیر رهایی ایفا کند (شریعتی، ۱۳۵۱: ۴۵). توسعه پایدار در این چارچوب، به معنای بیداری انسان و پذیرش مسئولیت در برابر خود، جامعه و هستی است. شریعتی با طرح مفهوم «خودسازی انقلابی»، توسعه را فرآیندی درونی و اخلاقی می‌داند که از فرد آغاز می‌شود و به تحول اجتماعی می‌انجامد.

اخلاق توسعه

شریعتی توسعه را بدون اخلاق، انحرافی مدرن می‌داند. او با نقد توسعه‌گرایی سکولار، بر مفاهیمی چون تعهد، شهادت و زیست‌معنا تأکید دارد. در آثار «فاطمه فاطمه است»، «حسین وارث آدم» و «مسئولیت روشنفکر»، اخلاق به عنوان جوهره توسعه پایدار معرفی می‌شود (شریعتی، ۱۳۵۴: ۱۰۵). توسعه پایدار در این نگاه، مستلزم تعهد فردی، مسئولیت اجتماعی و معناگرایی

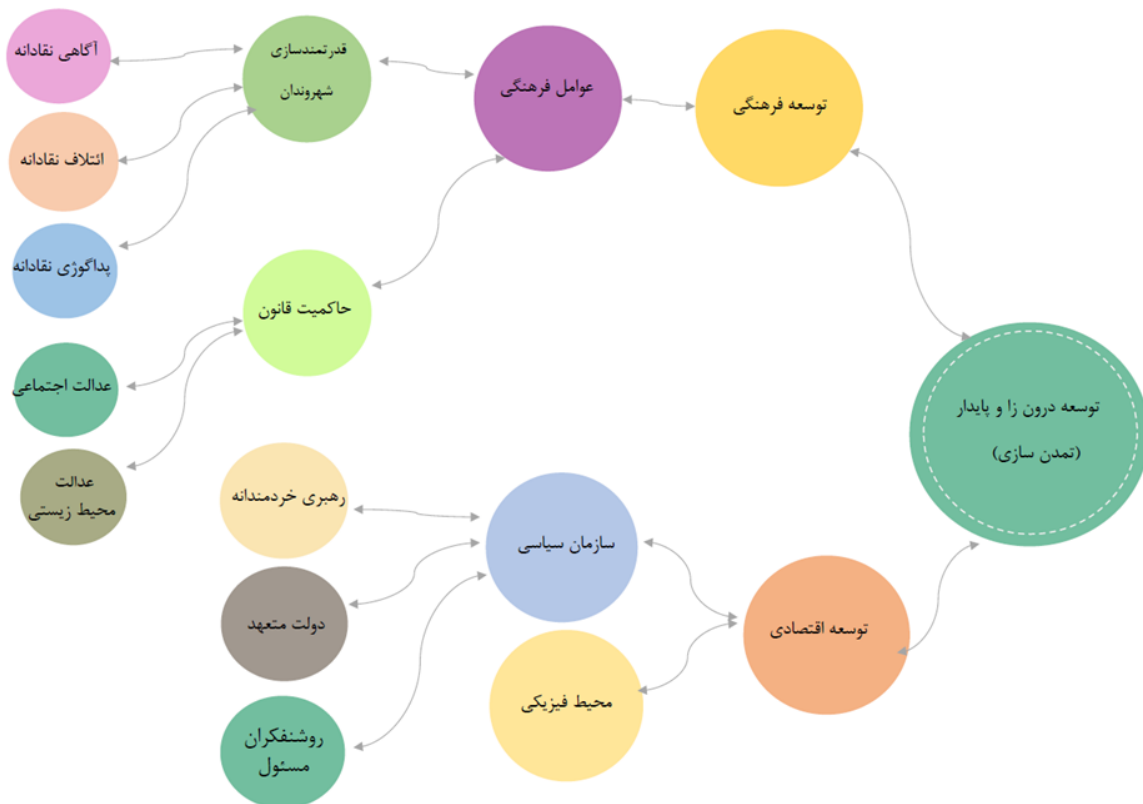
زیستی است. شریعتی با طرح مفهوم «شهادت»، توسعه را به زیستی پیوند می‌زند که در آن انسان حاضر است برای معنا، عدالت و رهایی، از خود بگذرد و تحقق این از خودگذشتگی و «دیگری را دیدن» نیازمند وجود و بسترسازی همه آن مولفه‌هایی است که ذکر شد.

جدول (۲): محور های مفهومی دیدگاه های توسعه دکتر شریعتی

منبع استخراج شده (کتاب / سخنرانی)	محور مفهومی	ارتباط با مکاتب نظری
امت و امامت	رهبری آرمانی، امت آگاه، کنش جمعی	پداگوژی انتقادی
بازگشت به خویشتن	خودباوری فرهنگی، بازگشت به خویشتن	وابستگی، توسعه پایدار
تشیع صفوی و تشیع علوی	عدالت اجتماعی، نقد ساختار سلطه	مکتب انتقادی و توسعه پایدار
اسلام شناسی	آگاهی تاریخی و رهایی از فرهنگ سکوت	پداگوژی انتقادی، توسعه پایدار
مذهب علیه مذهب	نقد ایدئولوژی، پالایش فرهنگی و بازسازی حافظه جمعی	مکتب انتقادی و توسعه
حسین وارث آدم	مقاومت، عدالت، رهایی تاریخی	وابستگی و توسعه پایدار
چه باید کرد؟	مسئولیت روشنفکر، کنش اجتماعی	مکتب انتقادی، پداگوژی جماعت محور
تاریخ تمدن	تحلیل تاریخی توسعه، نقد مدرنیته	نوگرایی، وابستگی
نقد و شناخت	روش شناسی انتقادی، تحلیل ایدئولوژی	مکتب انتقادی
بازگشت به خویشتن - اسلام شناسی	تلفیق سنت های اصیل با تکنولوژی روز	نوگرایی، مکتب انتقادی
چه باید کرد؟ - اسلام شناسی	آموزش رهایی بخش و کنش جمعی	پداگوژی انتقادی، مکتب انتقادی
امت و امامت - مذهب علیه مذهب	توسعه به مثابه رسالت انسانی	وابستگی، مکتب انتقادی

جدول (۳): عناصر و شاخص های توسعه در دیدگاه های دکتر شریعتی

منبع استخراج شده کتاب / سخنرانی	محور های مفهومی	مولفه های کلیدی
مسئولیت روشنفکر- امت و امامت - بازگشت به خویشتن - اسلام شناسی - حسین وارث آدم	اندیشه ورزی و آگاهی	آگاهی نقادانه
امت و امامت- مسئولیت روشنفکر- بازگشت به خویشتن	رهبری و امامت	رهبری خردمندانه
امت و امامت- مسئولیت روشنفکر- بازگشت به خویشتن	دولت متعهد	دولت متعهد
امت و امامت- مسئولیت روشنفکر- بازگشت به خویشتن - اسلام شناسی - حسین وارث آدم- مجموعه آثار	عدالت	عدالت اجتماعی عدالت محیط زیستی
امت و امامت- مسئولیت روشنفکر- بازگشت به خویشتن - اسلام شناسی - حسین وارث آدم- مجموعه آثار	روشنفکران	روشنفکران مسئول
امت و امامت- مسئولیت روشنفکر- بازگشت به خویشتن - اسلام شناسی - حسین وارث آدم- مجموعه آثار	توسعه ، سعادت و کمال	توسعه درون زا و پایدار (تمدن ساز)
امت و امامت- مسئولیت روشنفکر- بازگشت به خویشتن - اسلام شناسی - حسین وارث آدم- فاطمه فاطمه است	پیشرفت - نقد غربزدگی - امت	توسعه اقتصادی توسعه فرهنگی
امت و امامت- مسئولیت روشنفکر- بازگشت به خویشتن - اسلام شناسی - حسین وارث آدم	عمل / کردار	توانمندسازی مردم
امت و امامت- مسئولیت روشنفکر- بازگشت به خویشتن - اسلام شناسی - حسین وارث آدم- فاطمه فاطمه است	ائتلاف شهروندان، اتحاد و مردم	ائتلاف نقادانه
امت و امامت- مسئولیت روشنفکر- بازگشت به خویشتن - اسلام شناسی - حسین وارث آدم- فاطمه فاطمه است	گفت و شنود	گفت گوی نقادانه
امت و امامت- مسئولیت روشنفکر- بازگشت به خویشتن - اسلام شناسی - حسین وارث آدم	آموزش و پرورش	پداگوژی نقادانه
امت و امامت- مسئولیت روشنفکر- بازگشت به خویشتن - اسلام شناسی - حسین وارث آدم	نقادی و روحیه انتقادی	تفکر انتقادی
امت و امامت- مسئولیت روشنفکر- بازگشت به خویشتن - اسلام شناسی - حسین وارث آدم	نهاد اجرایی ساختار قدرت	سازمان سیاسی
امت و امامت- مسئولیت روشنفکر- بازگشت به خویشتن - اسلام شناسی - حسین وارث آدم	دعوت به زیست معنا- خود انکایی و عدالت اجتماعی	محیط فیزیکی
امت و امامت- مسئولیت روشنفکر- بازگشت به خویشتن - اسلام شناسی - حسین وارث آدم	امام قانونگذار اخلاقی - بازسازی قانون بر اساس مسئولیت اجتماعی- تمایز میان قانون الهی و سلطه گر	حاکمیت قانون



شکل ۱. مدل استخراج شده

۷. بحث و نتیجه گیری:

بررسی آثار و سخنرانی‌های دکتر علی شریعتی نشان می‌دهد که نگرش توسعه‌محور او در قالب مفهوم «کمال انسانی» شکل می‌گیرد. کمالی که نه تنها فردی، بلکه اجتماعی، تاریخی و الهی است. از دیدگاه شریعتی، جامعه سالم و انقلابی، جامعه‌ای پویا، در حال حرکت و رها از ایستایی و تقلید است. توسعه مطلوب از منظر او، توسعه‌ای درون‌زا و برخاسته از توانمندسازی انسان، دانش‌افزایی اندیشمندان داخلی و بهره‌گیری خردمندان از امکانات بومی در بستر شناخت دقیق محیط فیزیکی و اجتماعی است. این مدل توسعه، بر پایه دو بعد اساسی شکل می‌گیرد: توسعه فرهنگی-معنوی و توسعه اقتصادی. رابطه دیالکتیکی این دو بعد، مسیر تکامل تدریجی و پایدار جامعه را رقم می‌زند. مسیری که از اندیشه روشنفکران مسئول آغاز می‌شود، در بستر گفت‌وگوی نقادانه و اندیشه‌ورزی اجتماعی گسترش می‌یابد و با رهبری عالم و متعهد (امام) به‌عنوان رئیس دولت متعهد، به سازمان‌دهی خردمندان جامعه منتهی می‌گردد. در این فرآیند، آگاهی نقادانه به‌مثابه نیروی محرکه، موجب شکل‌گیری ائتلاف نقادانه گروه‌های اجتماعی می‌شود؛ ائتلافی که بر پایه پداگوژی نقادانه و آموزش‌رهای بخش، امت آگاه و متعهد را می‌سازد. این امت، نه تنها مخاطب توسعه، بلکه عامل آن است. عاملی که با «ساختن و پرداختن» جامعه، به توسعه همه‌جانبه دست می‌یابد. شریعتی

توسعه را مرهون رشد معنوی و توانمندسازی امت می‌داند و موفق‌ترین شیوه توسعه اقتصادی را تولید بومی مبتنی بر تکنولوژی بومی معرفی می‌کند. در این میان، نقش روشنفکر مسئول به‌عنوان حلقه اتصال میان آگاهی، نقد، آموزش و سازمان سیاسی، حیاتی و تعیین‌کننده است. در نهایت، توسعه در اندیشه شریعتی نه تقلید از مدل‌های وارداتی، بلکه بازخوانی انتقادی سنت و تجدید و ساختن مسیر سوم است. مسیر گفت‌وگوی نقادانه، سازمان سیاسی متعهد، و امت‌سازی آگاهانه. این توسعه، برخاسته از درون جامعه و در خدمت رهایی انسان است و با احترام به انسان و طبیعت توسعه پایدار را رقم می‌زند.

منابع و مراجع

۱. جهانی‌نسب، ناهید. (۱۳۷۶). بررسی توسعه فرهنگی در آرا و اندیشه‌های دکتر علی شریعتی [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان]. کتابخانه مرکزی دانشگاه اصفهان.
۲. شریعتی، علی (۱۳۸۸). مجموعه آثار. چاپ اول، تهران: نشر آزمون.
۳. شریعتی، علی (۱۳۵۴). *امت و امامت*. چاپ اول، تهران: انتشارات حسینیه ارشاد.
۴. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). *جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری. چاپ بیست و سوم. تهران: نشر نی.
۵. فوران، جان (۱۴۰۱). *مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران*. ترجمه احمد تدین. چاپ بیست و یکم، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
۶. قطبی، م. (۱۴۰۳). تحلیل انسان‌شناسی رهایی‌بخش در اندیشه شریعتی. تهران: نشر اندیشه.
۷. لدویت، مارگارت (۱۳۹۷). *نگرشی انتقادی به توسعه جماعت محور*. ترجمه منیژه نجم عراقی. چاپ اول، تهران: نشر نی.
۸. جمشیدیها، غلامرضا و نوذری، حمزه (۱۳۹۰). *الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی از منظر شریعتی*. دو فصلنامه علمی پژوهشی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، ۱ (۱)، ۳۰ - ۴۵.
۹. رفیعی، محمد حسین (۱۳۸۳). *شریعتی؛ الگوی آرمانی توسعه و تجلی آن در قانون اساسی سال ۱۳۵۸*. ماهنامه چشم انداز ایران. بازدید شده در تاریخ ۱۴۰۳/۷/۳۰ از نشانی <http://drshariati.org/?p=15795>
۱۰. زائری، محمدرضا. (۱۳۹۳، ۲۴ مهر). تحلیل ابعاد معرفتی جامعه توحیدی در اندیشه دکتر علی شریعتی. پایگاه انسان‌شناسی و علوم اجتماعی. بازبازی شده در ۲۰ شهریور ۱۴۰۴، از <https://anthropology.ir/article/3472.html>
۱۱. خانی و نصرالهی، ریحانه و زهرا (۱۳۹۲). *تاثیر رشد جمعیت بر نوآوری در ایران و کشورهای منتخب در حال توسعه*. فصلنامه راهبردی و کلان، ۱ (۴)، ۸۷-۱۰۶.
۱۲. مهدی نژاد، سیدرضا (۱۳۹۹). *تحلیل انتقادی، دیدگاه دکتر شریعتی درباره تقابل اسلام ایدئولوژیک و اسلام فرهنگی*. دو فصل نامه علمی پژوهشی دین، ۱۵، ۱۷۰ - ۱۸۹.
۱۳. سعدی، مصلح‌الدین. *دیوان اشعار*. سایت گنجور بازدید شده در تاریخ ۱۴۰۳/۸/۱ از <https://ganjoor.net/saadi>
۱۴. خسرو پناه، عبدالحسین (۱۳۸۲). *روشنفکری و دکتر شریعتی: پرتال مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی*. بازدید شده در تاریخ ۱۴۰۳/۸/۱ از <https://www.cgie.org.ir/popup/fa/system/contentprint/181370>
۱۵. داوری اردکانی، رضا (۱۳۹۶). *اندیشه شریعتی به جهت عمق پیوست/ توسعه نیافتگی بیرون بودن از زمان تاریخ است*. عطنا (رسانه تحلیلی دانشگاه علامه طباطبایی). بازدید شده در تاریخ ۱۴۰۳/۸/۱ از <https://atna.atu.ac.ir/000dyV>
۱۶. رحیم پور، حسن (۱۳۸۸). *رفورمیزم و توسعه؟ یا ایدئولوژی و انقلاب؟ یادمان دکتر شریعتی*. درگاه اینترنتی حسن رحیم پور بازدید شده در تاریخ ۱۴۰۳/۷/۳۰ از <https://B2n.ir/up7110>
۱۷. شعبانی ورکی، بختیار (۱۳۸۳). *آموزش و پرورش و انسان شدن، نظریه انتقادی پائولو فریره*. فصلنامه نوآوری های آموزشی، ۸ (۳) و پرتال جامع علوم انسانی. بازدید شده در تاریخ ۱۴۰۳/۸/۱ از <https://B2n.ir/wh8446>

۱۸. نوذری، ح. (۱۳۹۴). نقد و بررسی آراء و اندیشه‌های متفکران مسلمان درباره رابطه میان دین و توسعه به‌منظور تبیین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (مورد مطالعه: نصر، ملکیان و شریعتی). پژوهش‌نامه اندیشه دینی و علوم سیاسی اسلامی (ایپویا)، ۳(۶)، ۱۰۹-۱۳۲. <https://doi.org/10.1001.1.23295599.1394.3.6.4.9>

19. Ahmad, F. (n.d.). Islamic perspective on sustainable development. Retrieved September 18, 2025, from <https://www.academia.edu>
20. Bsoul, L., Omer, A., Kucukalic, L., & Archbold, R. H. (2022). Islam's perspective on environmental sustainability: A conceptual analysis. *Social Sciences*, 11(6), 228. <https://doi.org/10.3390/socsci11060228>
21. Dangor, S. (2023). Sustainable development: Islamic perspectives and implementation. *Al-Wasatiyyah Journal of Moderate Islam*. (Issue and volume pending).
22. Emas, R. (2015). Brief for GSDR 2015: The concept of sustainable development—Definition and defining principles. Retrieved September 18, 2025, from: <https://sdgs.un.org/sites/default/files/documents/5839GSDR%202015SDconceptdefinitonrev.pdf>
23. Freire, P. (1985). *Pedagogy of the oppressed*. New York: Continuum.
24. Furan, J. (2022). *Fragile resistance: The history of social developments in Iran* (A. Tadin, Trans., 21st ed.). Tehran: Rasa Cultural Services Institute.
25. Hope, A., & Timmel, S. (1984). *Training for Transformation: A Handbook for Community Workers*. Gweru, Zimbabwe: Mambo Press.
26. Giddens, A. (2006). *Sociology* (5th ed.). Cambridge: Polity Press.
28. Giddens, A. (2006). *Sociology* (5th ed.). Cambridge: Polity Press.
29. Kakar, B. S., & Leghari, R. (2022). The Sustainable Development Goals (SDGs) and Islam. United Nations Development Programme (UNDP) for Balochistan, Pakistan. Retrieved September 18, 2025, from: <https://www.undp.org/sites/g/files/zskgke326/files/2023-06/undpbalochistansdgsandislam.pdf>
30. Katbi, M. (2024). Consciousness and liberating self-awareness in the thought of Shariati and Iqbal. *Virgool* [Online journal]. Retrieved August 1, 2024, from <https://vrgl.ir/sWNOG>
31. Khani, R., & Nasrollahi, Z. (2013). The impact of population growth on innovation in Iran and selected developing countries. *Quarterly Journal of Strategic and Macro Studies*, 1(4), 87-106.
32. Khosropanah, A. M. (2003). Intellectualism and Dr. Shariati. *Portal of Humanities*. Retrieved October 23, 2024, from <https://www.cgie.org.ir/popup/fa/system/contentprint/181370>
33. Ledwith, M. (2011). *Community development: A critical approach*. Bristol: Policy Press.
34. Mensah, J., & Ricart Casadevall, S. (2019). Sustainable development: Meaning, history, principles, pillars, and implications for human action—A literature review. *Cogent Social Sciences*, 5(1), 1653531. <https://doi.org/10.1080/23311886.2019.1653531>
35. Marshall, T. H. (1950). *Citizenship and Social Class*. Cambridge: Cambridge University Press. - Held, D. (2006). *Models of Democracy* (3rd ed.). Stanford: Stanford University Press.
36. Wilkinson, R., & Pickett, K. (2009). *The Spirit Level: Why More Equal Societies Almost Always Do Better*. London: Allen Lane
37. Zaman, A., & Qadir, J. (2018). Sustainable development viewed from the lens of Islam. *International Journal of Pluralism and Economics Education*, 9(1), 1-18. <https://doi.org/10.1504/IJPEE.2019.10019578>